

تحلیل اثر جهانی‌شدن و استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای اسلامی منتخب^۱

فراس صباح علیوی^۲، سارا قبادی^۳، سعد مکاصیص^۴، حسین شریفی زنانی^۵*

تاریخ دریافت: ۱۴۰۳/۰۸/۲۰

تاریخ پذیرش: ۱۴۰۳/۱۰/۰۳

چکیده

در محتوای حقوق انسان در اسلام، حقوق زنان در حوزه‌های مختلف اقتصادی، سیاسی و اجتماعی به منظور رعایت عدالت و توزان اجتماعی مطرح شده است. اشتغال نیز از دید اسلام یکی از حقوق الهی زنان است، هرچند برای زنان تکلیف نیست. از طرفی زنان به دلیل شرایط زندگی و مسئولیت‌هایی که در مورد مراقبت و تربیت فرزندان بر عهده دارند، اغلب از فرصت‌های شغلی مناسب برخوردار نمی‌شوند و به پذیرش مشاغل آسیب‌پذیر همچون مشاغل خانگی، نیمه وقت، با دستمزد پایین و بدون برخورداری از تأمین اجتماعی ناچار می‌شوند. از آنجا که بر اساس نظر اسلام نباید در برنامه‌ریزی عدالت اجتماعی در مورد افراد جامعه از جمله زنان ظلم و تبعیضی وجود داشته باشد، بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای اسلامی و آنچه در انتقال زنان از بخش غیررسمی و آسیب‌پذیر به بخش رسمی اقتصاد مؤثر است، مهم می‌نماید. از این رو مقاله حاضر با هدف تحلیل اثر جهانی‌شدن و استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در ۱۳ کشور منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۲۲-۲۰۱۳ انجام شد. بدین منظور از روش همجمعی حداقل مربعات پویای تابلویی (PDOLS) استفاده شد. نتایج بیانگر آن بود که استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر منفی داشته است. شاخص جهانی‌شدن اثر غیرخطی و U شکل بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان داشته است. نابرابری جنسیتی و جمعیت شهرنشین نیز بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر مثبت برجای گذاشته‌اند.

کلمات کلیدی: جهانی‌شدن، استحکام حقوق قانونی وام، اشتغال آسیب‌پذیر، نابرابری جنسیتی، اسلام.

طبقه‌بندی JEL: J830، F00، C23.

۱. این مقاله مستخرج از رساله دکتری فراس صباح علیوی در رشته علوم اقتصادی در دانشگاه آزاد اسلامی واحد اصفهان (خوراسگان) با راهنمایی دکتر سارا قبادی و دکتر سعد مکاصیص و مشاوره دکتر حسین شریفی زنانی می‌باشد.

۲. دانشجوی دکتری رشته علوم اقتصادی، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۳. استادیار گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

۴. دانشیار گروه اقتصاد، دانشگاه الکویت، واسط، عراق

۵. دانشیار گروه اقتصاد، واحد اصفهان (خوراسگان)، دانشگاه آزاد اسلامی، اصفهان، ایران.

* پست الکترونیکی نویسنده مسئول: sghobadi@iau.ac.ir

مقدمه

در بسیاری از کشورهای در حال توسعه، بخش عمده‌ای از کارگران، در اقتصاد غیررسمی با درآمد پایین، امنیت شغلی محدود و بدون حمایت اجتماعی به کار گرفته می‌شوند (باکتا و بوستامانت^۱، ۲۰۰۹). این موضوع باعث شده است تا مقابله با آسیب‌پذیری در اقتصاد غیررسمی و تسهیل گذار از اقتصاد غیررسمی به سوی اقتصاد رسمی به یکی از مهمترین چالش‌های سیاستی در این گروه از کشورها تبدیل شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان بین‌المللی کار^۲، ۲۰۱۹). سازمان بین‌المللی کار^۳ (۲۰۱۰)، کارگران خویش‌فرما و کارگران کمک‌خانواده را به عنوان شاغلین آسیب‌پذیر در نظر می‌گیرد که با کیفیت و امنیت پایین شغلی مواجه هستند (پنا-کاساس و همکاران^۴، ۲۰۱۸). علاوه بر این دستمزدهای پایین، برنامه‌های کاری نامناسب، خطرات متعدد کاری و شرایط استرس‌زای روحی و روانی از دیگر مشخصه‌های اشتغال آسیب‌پذیر است. معمولاً زنان به دلیل مسئولیتی که در قبال مراقبت از فرزندان دارند کمتر از اشتغال مطلوب برخوردار می‌شوند. اشتغال مطلوب به معنای دسترسی به مشاغلی است که دارای دستمزدهای منصفانه هستند (اسدی زیدآبادی و همکاران، ۱۴۰۲). بدین ترتیب زنان بیشتر در معرض اشتغال آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند که اثرات بسیار نامطلوبی بر آنان دارد (وو و یان^۵، ۲۰۲۳). اغلب زنان در مشاغل آسیب‌پذیر، با دستمزدی بسیار ناچیز، قواعد کاری غیررسمی، شرایط کاری بد و امنیت شغلی و اجتماعی پایین مواجه هستند. آن‌ها همچنین از حمایت‌های اجتماعی و مزایایی مانند مرخصی زایمان با حقوق بی‌بهره هستند و به دلیل عدم برخورداری از نماینده در اتحادیه‌های کارگری، حق اعتراض و طرح مطالبات خود را نیز ندارند. در این میان، برنامه‌های فقرزدایی و توانمندسازی زنان تلاش می‌کنند تا با فراهم نمودن شغل‌های باکیفیت، آسیب‌پذیری‌های مرتبط با زنان را کاهش دهند (اواجومگو و همکاران^۶، ۲۰۲۲).

جهانی‌شدن می‌تواند تأثیرات عمده‌ای بر توانمندسازی و وضعیت شغلی زنان داشته باشد. از نظر دی پیتر و همکاران^۷ (۲۰۰۸) جهانی‌شدن از هفت طریق بر وضعیت شغلی تأثیر می‌گذارد که شامل تعداد مشاغل موجود، ساختار و توزیع مشاغل میان فعالیت‌های مختلف اقتصادی، ترکیب بین مشاغل ماهر و غیر ماهر، مشاغل تحقیق و توسعه، درآمد شغلی از طریق تأثیر جهانی‌شدن بر بهره‌وری، مهاجرت و محیط و شرایط کاری است (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲). برخی از محققان بر این باور هستند که جهانی‌شدن از طریق فراهم نمودن گزینه‌های شغلی فراتر از مشاغل خانگی منجر به ادغام زنان در بازارهای کار رسمی و در نتیجه باعث بهبود فرصت‌ها و افزایش قدرت اقتصادی آن‌ها می‌شود (اوکولو-اوباسی و همکاران^۸، ۲۰۲۱). این در حالی است که به عقیده عده دیگری از محققان، به دنبال جهانی‌شدن و سرمایه‌بر شدن بنگاه‌ها، نیاز به نیروی کار ارزان و غیرماهر زنان نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر این جهانی‌شدن از طریق تضعیف حمایت اجتماعی، قدرت چانه‌زنی و استقلال زنان در خانواده و جامعه را نیز کاهش می‌دهد. جهانی‌شدن همچنین از طریق افزایش مهاجرت نیروی کار و دسترسی به مواد غذایی ارزان‌تر و فراوری شده، خطرات سلامتی جسمی و روحی عمده‌ای را به همراه دارد به‌طوری که الگوی اشتغال را تغییر داده و منجر به افزایش آسیب‌پذیری زنان می‌شود (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲). دسترسی به منابع مالی و سهولت در دریافت وام و اعتبارات نیز یکی دیگر از عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان است. در حقیقت دسترسی به منابع مالی در ایجاد، توسعه و بقای مشاغل به عنوان یک اصل کلی پذیرفته شده است (پاولوا و گوتادزه^۹، ۲۰۲۳). یان-لینگ و همکاران^{۱۰} (۲۰۲۱) استدلال می‌کنند که با محدود شدن دسترسی خانوار به اعتبارات رسمی و غیررسمی، آسیب‌پذیری اقتصادی آن‌ها افزایش می‌یابد (یان-لینگ و همکاران، ۲۰۲۱). در حقیقت زنان از طریق افزایش دسترسی به

1. Bacchetta & Bustamante

2. Organization for Economic Co-operation and Development (OECD) and International Labour Organization (ILO)

3. International Labour Organization

4. Peña Casas et al.

5. Wu & Yan

6. Uwajumogu et al.

7. Di Pietro et al.

8. Okolo Obasi et al.

9. Pavlova & Gvetadze

10. Yan-Ling et al.

و برآورد الگوی پژوهش می‌پردازد. در بخش چهارم نیز نتیجه‌گیری و پیشنهادات سیاستی ارائه می‌شود.

مبانی نظری

اشتغال آسیب‌پذیر با تأکید بر زنان

به منظور تعریف آسیب‌پذیری در اشتغال، سه رویکرد کلی وجود دارد. اولین و متداول‌ترین تعریف اشتغال آسیب‌پذیر توسط سازمان بین‌المللی کار (۲۰۱۰) ارائه شده است. این سازمان با در نظر گرفتن جمعیت شاغل در وضعیت‌های مختلف شغلی، مشاغل آسیب‌پذیر را به عنوان مجموع کارگران خویش‌فرما و کارگران کمک‌خانواده تعریف می‌کند. رویکرد دوم، مشاغل آسیب‌پذیر را بر اساس سطح پایین درآمد جمعیت شاغل تعریف می‌کند، در حالی که رویکرد سوم جنبه‌های چندبعدی آسیب‌پذیری در اشتغال را در نظر می‌گیرد. به طور کلی کارگران پاره‌وقت، خوداشتغال و قراردادی در مقایسه با کارگران تمام‌وقت در معرض آسیب‌پذیری بیشتری قرار دارند که یکی از دلایل مهم آن میزان ثبات شغلی است (چایکوفسکی^۱، ۲۰۰۵). در همین راستا، کمیسیون اتحادیه‌های کارگری^۲ (۲۰۰۸) تأکید می‌کند که کارگران در صورت دریافت دستمزدی کمتر از ۶/۵ پوند در ساعت، فقدان صلاحیت‌های علمی و قرارداد دائم و یا اشتغال در محیط خانه، در معرض خطر اشتغال آسیب‌پذیر هستند. علاوه بر این، مهاجران غیرقانونی و یا افرادی که در بخش غیررسمی کار می‌کنند نیز جزء شاغلین آسیب‌پذیر محسوب می‌شوند. در این بین باکویر و همکاران^۳ (۲۰۱۰) معتقد هستند که مفهوم آسیب‌پذیری با مشکلاتی در ارتباط است که در مسیر مدیریت ریسک‌ها و مقابله با زیان‌ها و هزینه‌های ناشی از موقعیت‌های مخاطره‌آمیز برای افراد ایجاد می‌شوند. از آن جایی که ریسک به عنوان احتمال قرار گرفتن افراد در معرض یک رویداد نامطلوب تعریف می‌شود، بنابراین، اشتغال آسیب‌پذیر، ریسک اشتغال در مشاغلی است که فاقد استانداردهای شغلی مناسب هستند (عندلیب و ظفر^۴، ۲۰۲۳).

بازارهای اعتباری، قادر هستند تا کسب‌وکارهای کوچک مقیاس خود را به مشاغلی با مقیاس بزرگتر و سودآورتر تبدیل نموده و با بخش رسمی بازار ادغام شوند (آتریدو و همکاران^۱، ۲۰۱۳). از طرفی در دین اسلام حقوق جنسیتی زنان در تمامی ابعاد و قوانین اقتصادی، جزایی، عبادی، سیاسی و اجتماعی به منظور برقراری عدالت و توازن اجتماعی مورد تأکید قرار گرفته است. از نظر اسلام چنانچه نگرش به زن، نگرشی خاص باشد و منجر به خارج شدن زن از جایگاه اصلی انسانی خود شود، مرد نیز به تبع آن نمی‌تواند در جایگاه انسانی خود قرار بگیرد. در این راستا زنان نیز بر اساس قانون الهی باید از امتیازات و تسهیلات اشتغال برخوردار باشند. از این رو دسترسی زنان به فرصت‌های شغلی مناسب به گونه‌ای که از مشاغل آسیب‌پذیر خارج شده و به بخش رسمی و دارای مزایا انتقال یابد، برای کشورهای اسلامی که از قوانین شریعت پیروی می‌کنند، امری ضروری است. در این راستا شناخت عوامل موثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان به منظور برنامه‌ریزی برای انتقال زنان از بخش غیررسمی به بخش رسمی اقتصاد باید در کشورهای اسلامی مورد توجه قرار بگیرد. با توجه به مباحث مطرح شده، این پژوهش به دنبال بررسی تأثیر جهانی شدن و استحکام حقوق قانونی وام (سهولت دریافت وام) بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در منتخبی از کشورهای اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ می‌باشد. به منظور برآورد الگوی پژوهش از روش روش همجمعی حداقل مربعات پویای پانلی^۲ (PDOLS) بهره گرفته می‌شود. مرور بر پیشینه تحقیق نشان می‌دهد که پژوهش حاضر به لحاظ موضوعی دارای نوآوری است، به‌طوری که تا کنون در سطح پژوهش‌های داخلی، به بررسی تأثیر جهانی شدن و استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان پرداخته نشده است. بر همین اساس مقاله حاضر از ۵ بخش اصلی تشکیل شده است. پس از بیان مقدمه، در بخش اول مبانی نظری مورد بررسی قرار خواهد گرفت. در بخش دوم مروری بر مطالعات پیشین صورت می‌گیرد. بخش سوم به روش تحقیق و نتایج آزمون‌های آماری

1. Aterido et al.
2. Dynamic Ordinary Least Squares
3. Chaykowski

4. Trade Union Commission (TUC)
5. Bocquier et al.
6. Andlib & Zafar

معمولاً زنان به دلیل مسئولیت‌هایی که در قبال مراقبت از فرزندان و تربیت و پرورش آن‌ها دارند، ناچار هستند تا ترکیبی از مسئولیت‌های خانه و کار را انتخاب نمایند، این موضوع باعث می‌شود تا آن‌ها بیشتر در معرض اشتغال آسیب‌پذیر قرار می‌گیرند (وو و یان، ۲۰۲۳). عده زیادی از زنان در مشاغل آسیب‌پذیر، با دستمزدهای بسیار پایین، قواعد کاری غیررسمی، شرایط کاری نامطلوب و همچنین امنیت شغلی و اجتماعی پایین مواجه هستند. علاوه بر این آن‌ها اغلب از حمایت‌های اجتماعی لازم و مزایایی مانند مرخصی زایمان با حقوق بی‌بهره هستند و به دلیل عدم برخورداری از نماینده‌های قانونی در اتحادیه‌های کارگری، حق اعتراض و طرح مطالبات خود را نیز ندارند. بر همین اساس برنامه‌های فقرزدایی و توانمندسازی زنان تلاش می‌کنند تا با فراهم نمودن شغل‌های باکیفیت، آسیب‌پذیری‌های مرتبط با زنان را کاهش دهند (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲). به‌طور کلی می‌توان گفت عواملی همچون میزان حقوق، حمایت اجتماعی، شرایط و قواعد کاری، مدت زمان انجام کار، سطح سلامت و ایمنی و سطح مهارت‌آموزی و ارائه دوره‌های آموزشی به عنوان مهمترین ابعاد کیفیت شغلی زنان نقش مهمی در ایجاد مشاغل مناسب، پایدار و موقر برای آنان دارند (پنا-کاساس و همکاران، ۲۰۱۸).

جهانی‌شدن و اشتغال آسیب‌پذیر زنان

جهانی‌شدن یک مفهوم چندبعدی است که فراتر از افزایش تجارت، مبادلات و جریان سرمایه است. جهانی‌شدن یکی از مفاهیم مناقشه‌آمیز در علوم اجتماعی به شمار می‌آید که هرچند امروزه بسیار مورد بحث است اما همچنان تعریف جامع و مورد توافق کلی در مورد آن وجود ندارد (سلیمانی و همکاران، ۱۴۰۱). از نظر شولت^۱ (۲۰۰۷) و کاسلی^۲ (۲۰۰۴)، ارتباطات جهانی و فراسرزمینی میان مردم در طول زمان و مکان از ویژگی‌های اصلی جهانی‌شدن هستند. از نظر چئون^۳ (۲۰۰۴) نیز جهانی‌شدن پست‌های است که علاوه بر گسترش تجارت و

انتقال بین‌المللی نهاده‌ها، مواردی همچون تغییرات تکنولوژیکی، فرآیند اصلاحات و بازسازی اجتماعی و سیاسی را نیز دربر می‌گیرد. از دیدگاه‌های نظری و تجربی، اثرات و پیامدهای کلی جهانی‌شدن تا حدودی نامشخص است. طرفداران جهانی‌شدن بر این باور هستند که گسترش بازارها؛ ایجاد فرصت‌ها؛ افزایش دسترسی به تکنولوژی و سرمایه‌های مالی و انسانی؛ افزایش دسترسی به منابع و کالاهای باکیفیت‌تر و ارزان‌تر، خلق ایده‌های جدید، بهبود در تقسیم ریسک بین‌المللی و افزایش کارایی تخصیص منابع از مهمترین پیامدهای جهانی‌شدن هستند (آسونگو و نواچوکو، ۲۰۱۷). این در حالی است که منتقدان جهانی‌شدن استدلال می‌کنند که اثرات مطلوب جهانی‌شدن به‌طور نابرابر اتفاق می‌افتد و در نتیجه منجر به افزایش نابرابری می‌شود. از نظر آن‌ها جهانی‌شدن ضمن افزایش تخریب محیط‌زیست؛ فرهنگ‌های محلی را نیز از بین می‌برد و باعث فروپاشی ارتباطات دولت-ملت‌ها می‌شود (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲).

پیرامون تأثیر جهانی‌شدن بر آسیب‌پذیری مشاغل زنان نیز دو گرایش فکری عمده و مخالف وجود دارد. برخی معتقد هستند که جهانی‌شدن از طریق ادغام زنان در بازارهای کار رسمی و فراهم نمودن گزینه‌های شغلی فراتر از مشاغل خانگی برای آنان و در نتیجه ایجاد دستمزدهای بالاتر، زمینه‌های افزایش قدرت اقتصادی و بهبود فرصت‌ها و چشم‌انداز زنان را فراهم می‌کند (اوکولو-اوباسی و همکاران، ۲۰۲۱). چنین اثراتی باعث افزایش استقلال و آزادی زنان، کنترل آنان بر بودجه و تصمیمات خانوار و همچنین افزایش اقتدار و انگیزه آنان برای کمک گرفتن از همسرانشان در امور خانه می‌شود (افوری و همکاران^۴، ۲۰۲۲). افزایش دستمزد و درآمد زنان در مقایسه با مردان، باعث بهبود وضعیت و اختیارات نسبی آنان خواهد شد و با گذشت زمان، این تأثیر به سطوح کلی جامعه گسترش می‌یابد، به‌طوری که مشارکت زنان در فضای عمومی افزایش می‌یابد و در نهایت زنان به بازیگران فعال در تصمیم‌گیری‌های

1. Scholte
2. Caselli
3. Cheon

4. Asongu & Nwachukwu
5. Ofori et al.

عمومی تبدیل می‌شوند (گری و همکاران^۱، ۲۰۰۶). در عوض باکوس^۲ (۲۰۰۵)، السون^۳ (۲۰۰۲)، و ناپل و دسای^۴ (۲۰۰۲) به عنوان مخالفان اثرات جهانی شدن بر توانمندسازی زنان، بر این عقیده هستند که جهانی شدن، توانایی زنان برای قرار گرفتن در موقعیت‌های شغلی شایسته و آبرومند با حقوق تضمین شده را کاهش می‌دهد. باکوس همچنین (۲۰۰۵) معتقد است که به دنبال جهانی شدن و رشد و سرمایه‌بر شدن بنگاه‌ها، نیاز به نیروی کار ارزان و غیرماهر زنان نیز کاهش می‌یابد. علاوه بر این، تانزی^۵ (۲۰۰۰) استدلال می‌کند که جهانی شدن از طریق کاهش حمایت اجتماعی، قدرت چانه زنی و استقلال زنان در خانواده و جامعه را متزلزل می‌کند. هانفلد^۶ (۲۰۱۷) هم معتقد است که جهانی شدن از طریق افزایش مهاجرت نیروی کار و دسترسی به مواد غذایی ارزان‌تر و فراوری شده، باعث ایجاد خطرات سلامتی جسمی و روحی و در نتیجه تغییر الگوی اشتغال می‌شود به طوری که منجر به افزایش آسیب‌پذیری زنان می‌شود (اواجومگو و همکاران، ۲۰۲۲).

استحکام حقوق قانونی وام و اشتغال آسیب‌پذیر

زنان

استحکام حقوق قانونی وام بدین مفهوم است که قوانین مرتبط با وثیقه و ورشکستگی تا چه حد از حقوق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان حمایت می‌کند. به بیانی دیگر این شاخص میزان سهولت در وام‌دهی را اندازه‌گیری می‌کند. استحکام بیشتر حقوق قانونی وام به معنای دسترسی آسان‌تر به وام و اعتبارات است (بانک جهانی^۷، ۲۰۲۴). کارشناسان و نهادهای بین‌المللی بر اعطای اعتبارات به عنوان یکی از سازوکارهای مهم در راستای کاهش فقر و ایجاد اشتغال به ویژه برای زنان بسیار تأکید کرده‌اند. مطالعات تجربی انجام شده در بسیاری از کشورهای در حال توسعه نیز حاکی از آن است که عدم دسترسی به اعتبارات بانکی یکی از محدودیت‌های مهم کارآفرینان به خصوص در هنگام راه‌اندازی بنگاه‌های اقتصادی

است، به طوری که این مشکل برای زنان در مقایسه با مردان بیشتر است (بونیک و همکاران^۸، ۱۹۸۹). در این بین، یان-لینگ و همکاران (۲۰۲۱) نیز اظهار می‌کنند که با ایجاد محدودیت در دسترسی خانوار به اعتبارات رسمی و غیررسمی، آسیب‌پذیری اقتصادی آن‌ها افزایش می‌یابد (یان-لینگ و همکاران، ۲۰۲۱). این در حالی است که زنان از طریق دسترسی به بازارهای اعتباری، می‌توانند کسب‌وکارهای کوچک مقیاس خود را به مشاغلی با مقیاس بزرگتر و سودآورتر تبدیل نموده و به بخش رسمی بازار ملحق شوند (آتریدو و همکاران، ۲۰۱۳). علیرغم مباحث مطرح شده برخی از مطالعات نیز نشان می‌دهند وام‌هایی که توسط زنان و با هدف انجام و تقویت فعالیت‌های اقتصادی دریافت می‌شوند، ممکن است صرف فعالیت‌های دیگری همچون خرید و یا اجاره مسکن، خرید لوازم خانگی و یا تهیه جهاز برای دختران شود (دیپیم و وهابی، ۱۳۸۲). در همین راستا مطالعات یعقوبی (۱۳۸۵) نشان داده است که سیاست‌های اشتغال‌زایی زنان از طریق اعطای وام از موفقیت چندانی برخوردار نبوده است (کریمی، ۱۳۹۳).

نابرابری جنسیتی و اشتغال آسیب‌پذیر زنان

نابرابری جنسیتی، به مفهوم نابرابری زن و مرد در برخورداری از امکانات موجود است که نتیجه برآیند چهار مؤلفه مشارکت و فرصت اقتصادی، دستیابی به آموزش، بهداشت و بقا و توانمندسازی سیاسی است (قره‌حسنلو و میرحسینی، ۱۴۰۰). در حقیقت نابرابری جنسیتی به وجود هرگونه رفتار، سیاست، زبان و یا کنش‌هایی اشاره دارد که نشان‌دهنده دیدگاه ثابت فراگیر و نهادینه شده اعضای جامعه نسبت به زنان به عنوان موجوداتی فرودست است (کرامرا و ترایکلر^۹، ۱۹۸۵). منظور از نابرابری جنسیتی در محیط کار، وجود رفتار و فرصت‌های نابرابر برای زنان و مردان در زمینه شغل‌های موجود، پیشرفت شغلی، دستمزد و غیره است (هوآ^{۱۰}، ۲۰۲۴). به بیانی دیگر

1. Gray et al.

2. Bacchus

3. Elson

4. Naples and Desai

5. Tanzi

6. Hanefeld

7. <https://data.worldbank.org/indicator/IC.LGL.CRED.XQ>

8. Buvinic et al.

9. Kramarae & Treichler

10. Hua

نابرابری‌های جنسیتی در اشتغال در اشکال مختلفی همچون وجود فرصت‌های نابرابر در یافتن شغل‌های با حقوق، مدت زمان اشتغال، مشارکت در بازار کار، دریافت کار پاره‌وقت و همچنین شکاف‌های دستمزد منعکس می‌شود (سازمان همکاری اقتصادی و توسعه و سازمان جهانی کار، ۲۰۱۹). به‌طور کلی سه نوع تبعیض جنسیتی در بازار نیروی کار قابل مشاهده است. نخست آن که زنان نسبت به مردان در مشاغل مشابه، مزد و حقوق کمتری دریافت کنند. دومین تبعیض، به محرومیت زنان از مشاغل حرفه‌ای پردرآمد و تمرکز یافتن آنان در مشاغل غیرفنی و ساده اشاره دارد. سومین نوع تبعیض نیز، اخراج تعداد بیشتری از زنان در مقایسه با مردان به هنگام رکود اقتصادی را در بر می‌گیرد (فطرس و همکاران، ۱۳۹۷). ادبیات گسترده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد در کشورهای در حال توسعه که اکثر کارگران خوداشتغال هستند، زنان در مقایسه با مردان، بیشتر در کسب‌وکارهای خانوادگی و بدون دستمزد و کمتر به عنوان کارفرما و یا خویش‌فرما فعالیت می‌کنند. علاوه بر این حتی در کشورهای ثروتمند نیز با وجود اینکه اکثریت قریب به اتفاق کارگران، کارمندان مزدبگیر در بخش رسمی هستند، اما معمولاً زنان در مقایسه با مردان در صنایع و مشاغل به خصوص با درآمد پایین‌تر کار می‌کنند (گیندلینگ و نیوهاوس^۱، ۲۰۱۴).

شهرنشینی و اشتغال آسیب‌پذیر زنان

شهرنشینی به معنای جریان جمعیت از روستا به شهر و همچنین دگرگونی ساختاری در اقتصاد و جامعه است. هجوم مهاجران آسیب‌پذیر به شهرها از جمله عوامل مهم و مؤثر بر

آسیب‌پذیری نیروی کار است (ویل^۲، ۲۰۰۹). مطابق با نظریه‌های ساختاری کلاسیک^۳ (مانند نظریه ساختار اقتصادی دوگانه لوئیس^۴) و مهاجرت جمعیت (مانند قضیه پتی-کلارک^۵)، با رشد شهرنشینی، اشتغال در صنایع اولیه^۶ کاهش و اشتغال در صنایع ثانویه و سوم^۷ افزایش می‌یابد (تیمبرلیک^۸، ۱۹۸۷). شهرنشینی با دگرگونی در ساختار اشتغال، می‌تواند مشکلات اجتماعی مهمی همچون فقر و نابرابری را به وجود آورد (کاستری^۹، ۲۰۰۷). برخی از محققین بر این باور هستند که در طول بحران ایجاد شده پس از سال ۲۰۰۸ میلادی، مناطقی که از رشد شهرنشینی بالاتری برخوردار بوده‌اند، بیشتر با معضل بیکاری مواجه شده‌اند. پالاسکاس و همکاران^{۱۰} (۲۰۱۵) گسترش بیکاری به دنبال افزایش جمعیت شهری را تحت عنوان بحران شهرنشینی نام‌گذاری کرده‌اند. در حقیقت گسترش شهرنشینی که به دنبال مهاجرت سیل‌آسای افراد آسیب‌پذیر رخ می‌دهد، بر آسیب‌پذیری مشاغل تأثیر می‌گذارد (چن و همکاران^{۱۱}، ۲۰۲۳). در این بین میترا^{۱۲} (۲۰۱۹) و مصطفی کمال و ناچی^{۱۳} (۲۰۰۹) استدلال کردند که با افزایش شهرنشینی، نرخ مشارکت زنان به عنوان نیروی کار کاهش می‌یابد که از دلایل عمده آن مهاجرت زنان روستایی به مناطق شهری است که به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی نمی‌توانند وارد بازار کار شوند (میترا و تریپاتی^{۱۴}، ۲۰۲۴). علاوه بر این، وو و اشنایدر^{۱۵} (۲۰۱۹)، هانگ و همکاران^{۱۶} (۲۰۱۹) و الگین و اوپوات^{۱۷} (۲۰۱۳) به یک رابطه U شکل بین شهرنشینی و اشتغال غیررسمی دست یافته‌اند، به‌طوری که با رسیدن نرخ شهرنشینی به یک حد معین، روند افزایشی اشتغال غیررسمی به عنوان درصدی از اشتغال کل به یک روند کاهشی تبدیل

1. Gindling & Newhouse

2. Weil

3. Classical structural theory

4. Lewis' Dual Economic Structure Theory

5. The Petty-Clark Theorem

۶. صنایع اولیه به صنایعی همچون معدن، کشاورزی و جنگلداری اشاره

دارد که در تهیه مواد خام طبیعی به منظور تولید کالاها و محصولات

نقش دارند.

۷. صنعت ثانویه بخشی از اقتصاد است که مواد خام را به کالاهایی

برای فروش یا مصرف تبدیل می‌کند. صنعت سوم نیز بخشی از اقتصاد

است که به فروش یا تجارت خدمات (به جای کالا) می‌پردازد.

8. Timberlake

9. Castree

10. Palaskas et al.

11. Chen et al.

12. Mitra

13. Mustafa Kemal & Naci

14. Tripathi

15. Wu & Schneider

16. Huang et al.

17. Elgin & Oyvrat

می‌شود (گوتیز-رومرو^۱، ۲۰۲۱). معمولاً در مراحل اولیه رشد شهرنشینی و به دنبال آن گسترش صنایع و افزایش تولیدات کارخانه‌ای، تولیدات خانگی به واسطه فعالیت زنان کاهش می‌یابد (یوزراپ^۲، ۱۹۷۰). این در حالی است که با استمرار رشد شهرنشینی و ایجاد فرصت‌های تحصیلی بهتر برای زنان، کاهش نرخ باروری و ایجاد امکان تجاری‌سازی محصولات خانگی، مشارکت زنان در بازار کار افزایش می‌یابد (اپنهایم^۳، ۱۹۷۰).

مطالعات پیشین

با مرور بر پیشینه این پژوهش مشخص گردید که تا کنون هیچ یک از مطالعات داخلی به‌طور کلی به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان و به‌طور مشخص به بررسی تأثیر جهانی شدن و دسترسی به وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان نپرداخته‌اند. بر همین اساس در ادامه به نزدیک‌ترین مطالعات داخلی انجام شده و همچنین مطالعات خارجی مشابه با موضوع پژوهش اشاره می‌شود.

مطالعات داخلی

علیقلی (۱۳۹۵) با استفاده از روش داده‌های تابلویی به بررسی رابطه بین توسعه اقتصادی و مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی طی دوره زمانی (۲۰۱۳-۱۹۹۰) پرداخت. نتایج نشان داد که تولید، نرخ بیکاری و نرخ باروری تأثیر منفی و توان دوم تولید، نرخ شهرنشینی و نرخ ثبت‌نام ناخالص زنان در مقاطع ابتدایی، متوسطه و عالی تأثیر مثبتی بر نرخ مشارکت زنان در نیروی کار کشورهای اسلامی دارد. عرب مازار و همکاران (۱۳۹۳) با استفاده از مدل لاجیت^۴ به بررسی تأثیر عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال زنان در ایران در سال ۱۳۹۰ پرداختند. نتایج نشان داد تعداد افراد شاغل در خانوار، وضعیت تأهل، محل اقامت و سرپرست بودن زنان تأثیر مثبتی بر اشتغال آن‌ها دارد، اما سن، اثری مثبت و غیرخطی و

تحصیلات بالاتر از متوسطه اثر معکوسی بر اشتغال زنان داشته است. کریمی (۱۳۹۳) با استفاده از روش پرسشنامه ضمن شناسایی تعاونی‌های موفق و ناموفق زنان استان مازندران در فعالیت‌های مختلف اقتصادی و تعیین میزان تأثیر ویژگی‌های اعضای تعاونی‌ها (سن، تحصیلات و وضعیت تأهل) در موفقیت یا عدم موفقیت آن‌ها، به بررسی تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان در تعاونی‌های مورد نظر پرداخت. نتایج نشان داد که اعطای وام ارزان به شرکت‌های تعاونی در ایجاد اشتغال زنان موفقیت‌چندانی نداشته است. یعقوبی (۱۳۸۴) با استفاده از روش پرسش‌نامه به بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال زنان روستایی استان زنجان طی دوره زمانی (۱۳۸۱-۱۳۷۵) پرداخته است. نتایج نشان می‌دهد بیشترین تأثیر اعتبارات پرداختی در زمینه تثبیت شغل فعلی زنان بوده و به علت ناکافی بودن مبلغ آن تأثیر چندانی در ایجاد مشاغل جدید نداشته است. صادقی و عمادزاده (۱۳۸۳) با استفاده از روش حداقل مربعات معمولی^۵ (OLS) به بررسی عوامل اقتصادی منتخب بر اشتغال زنان ایران طی دوره زمانی (۱۳۸۰-۱۳۴۵) پرداختند و بدین نتیجه دست یافتند که افزایش تحصیلات عالی زنان احتمال یافتن شغل در بازارکار را برای آنان بالا می‌برد و افزایش تولید و حجم سرمایه‌گذاری بر سهم اشتغال زنان در بازار کار اثر مثبت دارند.

مطالعات خارجی

حسین و همکاران^۶ (۲۰۲۴) با استفاده از روش خودتوضیحی با وقفه‌های توزیعی (ARDL) به بررسی تأثیر جهانی شدن بر اشتغال زنان در بنگلادش طی دوره زمانی ۲۰۱۹-۱۹۸۴ پرداختند. نتایج بیانگر آن بود که جهانی شدن سیاسی در ابتدا منجر به افزایش اشتغال زنان می‌شود و پس از رسیدن به حدآستانه مشخصی، این افزایش در اشتغال زنان به تدریج کاهش می‌یابد. این نتیجه حاکی از آن است که در ابتدای فرآیند جهانی شدن، فرصت‌های شغلی برای زنان

1. Gutierrez-Romero
2. Boserup
3. Oppenheimer

4. Logit
5. Ordinary Least Squares
6. Husain et al.

تحصیل کرده در بخش خدمات بیشتر می شود و فرصت های شغلی برای زنان دارای تحصیلات پایین تر در بخش صنعت بیشتر می شود. در ادامه با تکیه کشور بر تولیدات صنعتی صادراتی، اشتغال زنان به طور معناداری کاهش خواهد یافت. این امر منجر به ایجاد رابطه ای به شکل U معکوس میان جهانی شدن سیاسی و اشتغال زنان می شود. از طرفی جهانی شدن اجتماعی تأثیر منفی و معناداری بر اشتغال زنان داشته است. میترا و تریپاتی (۲۰۲۴) با استفاده از روش حداقل مربعات دو مرحله ای (2SLS) به بررسی تأثیر شهرنشینی بر نسبت مشارکت نیروی کار زنان به مردان در منتخبی از کشورهای جهان طی دوره زمانی (۱۹۹۱-۲۰۲۲) پرداختند. نتایج نشان داد که شهرنشینی تأثیر مخربی بر نسبت مشارکت نیروی کار زنان به مردان دارد. چن و همکاران (۲۰۲۳) با استفاده از داده های تابلویی به بررسی ارتباط شهرنشینی و اشتغال آسیب پذیر در کشورهای منتخب پرداختند. نتایج نشان داد که شهرنشینی تأثیر منفی بر اشتغال آسیب پذیر به طوری که با افزایش نرخ شهرنشینی، اشتغال آسیب پذیر کاهش می یابد. اواجومگو و همکاران (۲۰۲۲) با استفاده از داده های تابلویی و روش گشتاورهای تعمیم یافته^۱ (GMM) به بررسی اثرات جهانی شدن اجتماعی، اقتصادی و سیاسی بر اشتغال آسیب پذیر زنان در ۳۷ کشور منتخب آفریقایی طی دوره زمانی (۲۰۱۶-۲۰۲۰) پرداختند. نتایج نشان داد که جهانی شدن اقتصادی و اجتماعی بر اشتغال آسیب پذیر زنان تأثیر منفی و جهانی شدن سیاسی بر اشتغال آسیب پذیر زنان تأثیر مثبت دارد. بو و همکاران^۲ (۲۰۲۲) با استفاده از روش رگرسیونی خطی و تحلیل های آماری به بررسی عوامل مؤثر بر اشتغال آسیب پذیر زنان در ۷۶ کشور منتخب با درآمد متوسط و پایین طی دوره زمانی (۲۰۱۷-۱۹۹۰) پرداختند. نتایج نشان داد بین سال های ۱۹۹۰ و ۲۰۱۰ اشتغال آسیب پذیر زنان کاهش یافته است که پیشرفت تحصیلی زنان و کاهش نرخ باروری از مهمترین دلایل آن بوده است. علاوه بر این نهادهای مغرضانه جنسیتی به

عنوان مهمترین عامل شکاف جنسیتی در سال های ۲۰۱۰ تا ۲۰۱۷ در نظر گرفته شده اند. داتا و ساهو^۳ (۲۰۲۱) با استفاده از روش رگرسیونی چندگانه^۴ و با در نظر گرفتن فاصله زمانی مارچ^۵ تا دسامبر^۶ ۲۰۱۹، به بررسی تأثیر اعتبارات خرد بر ایجاد اشتغال و قدرت زنان روستایی در هند پرداخته اند. نتایج نشان می دهد که با افزایش اعطای اعتبارات خرد، فعالیت های درآمدزا و جذب زنان در قالب کسب و کارهای خانگی و غیرخانگی افزایش می یابد.

مرور بر پیشینه پژوهش نشان می دهد که مقاله حاضر بر حسب هدف و در مقایسه با مطالعات داخلی انجام شده دارای نوآوری است، به طوری که بخش عمده ای از این نوآوری در گرو انتخاب متغیرهای اشتغال آسیب پذیر زنان و شاخص استحکام حقوق قانونی وام می باشد.

روش تحقیق

تصریح الگو و معرفی متغیرها

برای دستیابی به هدف این مقاله که تحلیل اثر جهانی شدن و استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی شامل ایران، عراق، مصر، مالزی، قزاقستان، قرقیزستان، مراکش، اردن، اندونزی، پاکستان، ترکیه، تونس و لبنان طی سال های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ است به پیروی از مطالعات حسین و همکاران (۲۰۲۴)، داتا و ساهو (۲۰۲۱) و اواجومگو و همکاران (۲۰۲۲) به صورت زیر در نظر گرفته می شود:

$$FVE_{it} = \alpha_0 + \alpha_1 SLR_{it} + \alpha_2 KOFGL_{it} + \alpha_3 KOFGL_{it}^2 + \alpha_4 GII_{it} + \alpha_5 UP_{it}$$

در مدل (۱)، FVE_{it} متغیر وابسته است که بیانگر اشتغال آسیب پذیر زنان به صورت درصدی از اشتغال کل زنان می باشد. اشتغال آسیب پذیر دربرگیرنده اشتغال کارگران خویش فرما و کارگران کمک خانواده می باشد. داده های مربوط به این متغیر از تارنمای بانک جهانی استخراج می شود. SLR_{it} متغیر مستقل و بیانگر شاخص استحکام حقوق قانونی وام است. این شاخص نشان می دهد که قوانین وثیقه و ورشکستگی، تا چه حد از

1. Generalized method of moment

2. Bue et al.

3. Datta & Sahu

4. Multiple Regression

5. March

6. December

حقوق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان محافظت می‌کنند. به بیانی دیگر این شاخص، میزان سهولت در دریافت وام را اندازه‌گیری می‌نماید. شاخص مذکور در بازه عددی صفر تا ۱۲ رتبه‌بندی شده است، به طوری که رتبه صفر بیانگر بدترین وضعیت و رتبه ۱۲ بیانگر بهترین وضعیت در حفاظت از حقوق وام‌گیرندگان و وام‌دهندگان و سهولت در دریافت وام است. داده‌های مربوط به این متغیر نیز از تارنمای بانک جهانی استخراج می‌شود. $KOFGI_{it}$ متغیر مستقل و بیانگر شاخص جهانی شدن می‌باشد. شاخص جهانی شدن به ارزیابی جهانی شدن از سه بعد اقتصادی، اجتماعی و سیاسی می‌پردازد. شاخص مذکور در بازه عددی صفر تا ۱۰۰ رتبه‌بندی شده است، به طوری که رتبه صفر بیانگر بدترین وضعیت و رتبه ۱۰۰ بیانگر بهترین وضعیت است. داده‌های مربوط به این متغیر از تارنمای مؤسسه کاف^۱ استخراج می‌شود. GII_{it} متغیر مستقل و نشان‌دهنده شاخص نابرابری جنسیتی می‌باشد. این شاخص با در نظر گرفتن سه حوزه

سلامت باروری، توانمندسازی و بازار کار ساخته و پرداخته می‌شود. داده‌های مربوط به این متغیر از تارنمای سازمان ملل متحد استخراج می‌شود. UP_{it} متغیر مستقل و بیانگر جمعیت شهرنشین است. مقیاس اندازه‌گیری این متغیر تعداد نفر است و داده‌های آن از سایت بانک جهانی استخراج می‌شود. به منظور برآورد الگو از روش همجمعی حداقل مربعات پویای پانلی (DOLS) که برای استفاده در نمونه‌های کوچک مناسب است و از طرفی از ایجاد تورش همزمان جلوگیری می‌کند و همچنین دارای این ویژگی است که می‌تواند مرتبه‌های جمعی متفاوت در بین متغیرها را نیز در برآورد الگو لحاظ کند، استفاده می‌شود (استاک و واتسون^۲، ۱۹۹۳؛ پدرونی^۳، ۲۰۰۴).

نتیجه آزمون‌های آماری و برآورد الگو

آمار توصیفی مربوط به متغیرهای مورد استفاده در الگوی پژوهش در جدول (۱) ارائه شده است.

جدول ۱. آمار توصیفی

متغیر	نماد	میانگین	حداقل	حداکثر	مقیاس
اشتغال آسیب‌پذیر زنان	FVE_t	۳۳/۵۹	۲/۶۴	۷۷/۷۴	درصد
شاخص استحکام حقوق قانونی وام	SLR_t	۳/۸۸	۰	۱۱	امتیاز ۱۲-۰
جهانی‌شدن	$KOFGI_{it}$	۶۴/۰۳	۴۳/۶۸	۸۱/۰۶	رتبه ۱۰۰-۰
نابرابری جنسیتی	GII_{it}	۰/۴۰	۰/۱۸	۰/۵۹	رتبه ۱-۰
جمعیت شهرنشین	UP_t	۳۸۷۴۷۶۰۴	۲۰۳۱۴۳۰	۱/۱۰ ^۸ ×۶۰	تعداد نفر

منبع: یافته‌های پژوهش

بر اساس جدول (۱) اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره زمانی ۲۰۱۳-۲۰۲۲ به‌طور میانگین برابر با ۳۳/۵۹ درصد است. کشور اردن در سال ۲۰۲۲ با ۲/۶۴ درصد کمترین و کشور پاکستان در سال ۲۰۱۹ با ۷۷/۷۴ درصد، بیشترین میزان اشتغال آسیب‌پذیر زنان را داشته است. شاخص استحکام حقوق قانونی وام در کشورهای منتخب اسلامی به‌طور میانگین برابر با ۳/۸۸ درصد است. اردن در سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۱۸ و عراق طی تمام دوره مورد مطالعه با

امتیاز صفر کمترین و اردن طی سال‌های ۲۰۱۹ تا ۲۰۲۲ با امتیاز ۱۱، بیشترین میزان استحکام حقوق قانونی وام را داشته‌اند. جهانی‌شدن طی دوره مورد بررسی به‌طور میانگین برابر با ۶۴/۰۳ درصد بوده است. بیشترین میزان این شاخص برابر با ۸۱/۰۶ و مربوط به مالزی در سال ۲۰۱۷ و کمترین میزان آن برابر با ۴۳/۶۸ درصد و مربوط به عراق در سال ۲۰۱۳ بوده است.

قبل از برآورد الگوی پژوهش لازم است مانایی متغیرها

1. KOF
2. Stock & Watson

3. Pedroni

جدول ۲. نتیجه آزمون استقلال مقطعی پسران

آماره CD	احتمال آماره
-۱/۴۹	۰/۱۳۴۵

منبع: یافته‌های پژوهش

نتایج به دست آمده در جدول (۲) نشان می‌دهد که احتمال آماره آزمون CD از ۰/۰۵ بزرگتر است و فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود وابستگی مقطعی رد نمی‌شود. لذا بین متغیرهای مورد بررسی وابستگی مقطعی وجود ندارد. با توجه به عدم وجود وابستگی مقطعی بین متغیرها، برای بررسی مانایی داده‌ها می‌توان از آزمون‌های معمول مانایی برای داده‌های پانلی شامل واحد لوین، لین و چو، ایم-پسران-شین و بریتانگ و هادری استفاده کرد. در این پژوهش به منظور بررسی مانایی متغیرها از آزمون لین، لوین و چاو (LLC) استفاده می‌شود. فرضیه صفر در آزمون مانایی لین، لوین و چاو بیانگر این است که داده‌ها دارای ریشه واحد بوده و به عبارتی نامانا هستند.

جدول ۳. نتایج آزمون مانایی متغیرهای پژوهش به روش LLC

متغیر	نماد	آماره t	احتمال آماره	نتیجه
اشتغال آسیب‌پذیر زنان	FVE_t	-۱۱/۹۳	۰/۰۰۰	مانا
شاخص استحکام حقوق قانونی وام	SLR_t	-۷/۳۱	۰/۰۰۰	مانا
جهانی‌شدن	$KOFGI_{it}$	-۱۰/۲۰	۰/۰۰۰	مانا
نابرابری جنسیتی	GII_{it}	-۷/۱۸	۰/۰۰۰	مانا
جمعیت شهرنشین	UP_t	۰/۶۷	۰/۷۴۹	نامانا

منبع: یافته‌های پژوهش

هستند. در این شرایط لازم است آزمون همجمعی بین متغیرهای الگوها انجام شود تا از وجود رابطه بلندمدت بین متغیرها اطمینان حاصل شود. بدین منظور از آزمون همجمعی داده‌های تابلویی به روش کائو^۵ استفاده می‌شود.

جدول ۳. نتیجه آزمون همجمعی کائو

فرضیه صفر	آماره	احتمال آماره	نتیجه آزمون
عدم وجود بردار همجمعی	-۱/۷۹	۰/۰۳۶	رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهش

آزمون شود. برای بررسی مانایی داده‌های پانل می‌توان از آزمون‌های ریشه واحد دیکی فولر تعمیم‌یافته^۱، لوین، لین و چاو^۲، فیشر^۳، ایم، شین و پسران^۴ و پسران (۲۰۰۷) استفاده کرد، که البته انتخاب آزمون مناسب از بین این آزمون‌ها در گام اول نیازمند بررسی وجود وابستگی مقطعی است، به‌طوری‌که در صورت وجود وابستگی مقطعی لازم است از آزمون پسران استفاده شود و در غیر این صورت می‌توان از سایر آزمون‌ها استفاده نمود. نتایج آزمون وابستگی مقطعی پسران برای متغیرهای پژوهش در جدول (۲) ارائه شده است. فرضیه صفر در این آزمون عدم وجود وابستگی مقطعی در متغیرهای مورد آزمون است.

مطابق با نتایج جدول (۳) آزمون مانایی لین، لوین و چاو عدم وجود ریشه واحد را برای تمام متغیرهای موجود در مدل پژوهش به جز نرخ شهرنشینی تأیید می‌کند. به عبارتی بر اساس آزمون لین، لوین و چاو متغیرها ترکیبی از مانا و نامانا

1. Augmented Dicky Fuller
2. Levin, Lin, Chu
3. Fisher

4. Im, Pesaran And Shin
5. Kao

مطابق با نتایج جدول (۳) فرضیه صفر مبنی بر عدم وجود بردار همجمعی بین متغیرهای الگوی پژوهش رد شده است. بدین ترتیب رابطه همجمعی وجود دارد و می‌توان از روش‌های همجمعی برای برآورد الگوها استفاده کرد. با توجه به ترکیبی بودن درجه مانایی

متغیرهای الگو استفاده از روش همجمعی پویا (DOLS) امکان‌پذیر است. نتیجه برآورد الگوی پژوهش در جدول (۴) ارائه شده است.

جدول (۴) - نتیجه برآورد الگوی (۱) به روش همجمعی پویا (DOLS)

متغیر وابسته: اشتغال آسیب‌پذیر زنان FVE_t				
متغیر	نماد	ضریب	آماره t	احتمال آماره
شاخص استحکام حقوق قانونی وام	SLR_t	-۰/۰۱۲	۱۰/۲۳۴	۰/۰۲۳
شاخص جهانی شدن	$KOFGI_{it}$	-۰/۰۶۱	-۵/۶۰۳	۰/۰۰۰
مجذور شاخص جهانی شدن	$KOFGI_{it}^2$	۰/۵۸۸	۵/۵۴۳	۰/۰۰۰
نابرابری جنسیتی	GII_{it}	۰/۴۰۹	۴/۷۸۹	۰/۰۰۰
جمعیت شهرنشین	UP_t	۰/۳۱۷	۱۰/۲۳۴	۰/۰۰۰
$\bar{R}^2 = ۰/۹۶$		$R^2 = ۰/۹۷$		
آزمون‌های تشخیص				
فرضیه صفر	آزمون نرمالیتی	آماره آزمون	احتمال آماره	نتیجه آزمون
نرمال بودن جملات خطا	Jarque-Bera	۲/۶۵	۰/۲۶۶	عدم رد فرضیه

منبع: یافته‌های پژوهش

- یک درصد افزایش جهانی شدن منجر به ۰/۶۱۰ درصد کاهش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. این در حالی است که افزایش یک درصدی در مجذور جهانی شدن منجر به ۰/۵۸۸ درصد افزایش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. این نتیجه بیانگر وجود اثر غیرخطی و U شکل جهانی شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان است که در راستای نتایج حاصل از مطالعه حسین و همکاران (۲۰۲۴) و اواجوموگو و همکاران (۲۰۲۲) است. همانگونه که در مبانی نظری بیان شد، جهانی شدن منجر به ایجاد فرصت‌های شغلی بیشتر و مناسب تر و همچنین دارای دستمزد بالاتر در مقایسه با مشاغل خانگی برای زنان می‌شود. این امر به انتقال و ادغام زنان در بازار کار رسمی و در نتیجه کاهش اشتغال آسیب‌پذیر زنان می‌انجامد. اما همانگونه که نتایج پژوهش حاضر نشان می‌دهد، جهانی شدن تا یک حد مشخص بر کاهش اشتغال آسیب‌پذیر و انتقال زنان به بخش رسمی کمک می‌کند. پس از آن حد مشخص، افزایش درجات جهانی شدن که با رشد اقتصادی بالا و سرمایه‌بر شدن بنگاه‌ها در راستای افزایش صادرات و تجارت جهانی همراه است، نیاز

بر اساس نتایج جدول (۴) شاخص استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر منفی و معنادار داشته است. در حالیکه متغیرهای نابرابری جنسیتی و نرخ شهرنشینی بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثر مثبت و معنادار داشته‌اند. نتایج حاکی از اثر منفی شاخص جهانی شدن و اثر مثبت مجذور شاخص جهانی شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان می‌باشد. به عبارتی جهانی شدن بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان اثری U شکل داشته است. مقدار ضریب تعیین و ضریب تعیین تعدیل شده به ترتیب برابر با ۰/۹۷ و ۰/۹۶ بوده است که حاکی از برازش خوب الگو می‌باشند. نتیجه آزمون نرمال بودن جاکو-برا نیز نشان دهنده نرمال بودن توزیع جملات خطاست.

نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در مقاله حاضر که با هدف تحلیل اثر جهانی شدن و استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی شامل ۱۳ کشور منتخب اسلامی طی سال‌های ۲۰۱۳ تا ۲۰۲۲ و به روش همجمعی پویای پانلی (PDOLS) انجام شد، نتایج زیر حاصل شد:

به نیروی کار زنان را در بخش رسمی اقتصاد، به ویژه در مورد زنان دارای سطح تحصیلات و مهارت کمتر، کاهش می‌دهد. در پی این امر اشتغال زنان در بخش آسیب‌پذیر بیشتر خواهد شد.

- یک درصد افزایش در شاخص استحکام حقوق قانونی وام منجر به ۰/۰۱۲ درصد کاهش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است که این امر به معنای انتقال زنان از مشاغل آسیب‌پذیر به مشاغل رسمی در اثر توانمند شدن آنان به دنبال استحکام حقوق قانونی وام و به عبارتی تسهیل در وام‌دهی به آنان می‌باشد. این یافته با نتایج مطالعات داتا و ساهو (۲۰۲۱) همسو است اما با نتایج مطالعات کریمی (۱۳۹۳) و یعقوبی (۱۳۸۴) مطابقت ندارد.

- یک درصد افزایش در نابرابری جنسیتی منجر به ۰/۴۰۹ درصد افزایش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. به عبارتی نابرابری زنان نسبت به مردان در کشورهای اسلامی منتخب منجر به دسترسی ناکافی زنان به مشاغل رسمی و مناسب شده است و زنان به ناچار به مشاغل آسیب‌پذیر روی آورده‌اند. این یافته با نتایج مطالعات بو و همکاران (۲۰۲۲) مطابقت دارد.

- یک درصد افزایش در جمعیت شهرنشین منجر به ۰/۳۱۷ درصد افزایش در اشتغال آسیب‌پذیر زنان شده است. بر این اساس افزایش شهرنشینی که با مهاجرت نیروی کار از روستاها به شهرها همراه است، به دلیل فقدان فرصت‌های شغلی برای مهاجران به شهرها که اغلب افرادی غیرماهر و با سطح تحصیلات پایین هستند کاهش یافته و اشتغال آسیب‌پذیر به ویژه برای زنان افزایش می‌یابد. این یافته همسو با نتایج مطالعه علیقلی (۱۳۹۵) است اما در تضاد با نتایج مطالعه چن و همکاران (۲۰۲۳) می‌باشد.

با توجه به تأکید اسلام بر برقراری عدالت و برخورداری از حقوق انسانی از جمله حق اشتغال و برخورداری از دستمزد برای زنان مشابه با مردان، انجام اقداماتی که در راستای نتایج حاصل از این پژوهش می‌تواند به کاهش اشتغال آسیب‌پذیر زنان و توانمند ساختن آنان برای ورود به بخش رسمی و امن اقتصاد راهگشا باشد، توصیه می‌شود. از آنجا که نتایج نشان می‌دهد که رابطه‌ای U شکل بین جهانی‌شدن و اشتغال آسیب‌پذیر زنان در کشورهای منتخب اسلامی طی دوره مورد مطالعه وجود داشته است، و افزایش سطح جهانی‌شدن تا حد مشخصی به کاهش اشتغال آسیب‌پذیر

زنان و انتقال آنان به بخش رسمی منجر شده است و پس از آن افزایش جهانی‌شدن منجر به افزایش اشتغال آسیب‌پذیر زنان می‌شود، مدیریت کشورهای منتخب در فرآیند جهانی‌شدن امری الزامی است. به عبارتی کشورهای منتخب اسلامی مورد مطالعه در این پژوهش باید سرعت جهانی‌شدن خود را مدیریت نموده و از افزایش افسار گسیخته و بی‌برنامه آن جلوگیری نمایند، زیرا هرچند جهانی‌شدن امتیازاتی را برای این کشورها در پی دارد، اما باید استفاده از مزایای این امر در راستای منفعت و بهره‌مند شدن کل جامعه باشد و زنان نیز به عنوان نیمی از جمعیت هر جامعه از مزایای آن برخوردار شوند.

با توجه به تأثیر منفی استحکام حقوق قانونی وام بر اشتغال آسیب‌پذیر زنان توصیه می‌شود دولت‌ها و مقامات نظام بانکی کشورهای مورد بررسی با تشخیص عوامل مؤثر بر ورشکستگی بانک‌ها برای جلوگیری از هدر رفتن منابع مالی بانک‌ها و کاهش احتمال ورشکستگی آن‌ها، موجبات کاهش ریسک بانک‌ها برای پرداخت وام را فراهم آورند و از این طریق به تسهیل وام‌دهی کمک نمایند. در نظر گرفتن وام‌های کم‌بهره برای زنان و در جهت تقویت و رسمی نمودن اشتغال‌های نوپا و خانگی نیز از دیگر پیشنهادات مطرح در این زمینه است. با توجه به تأثیر نابرابری جنسیتی در افزایش آسیب‌پذیری اشتغال زنان و از آن جایی که نابرابری جنسیتی ریشه در باورها و فرهنگ نهاده شده در جامعه دارد، توصیه می‌شود تا از طریق آموزش صحیح به دختران و پسران و تغییر باور برتری مردان نسبت به زنان در طول دوران تحصیل در زمینه کاهش نابرابری جنسیتی اقدام شود. از طرفی با توجه به ضریب مثبت متغیر شهرنشینی پیشنهاد می‌گردد تا با فراهم نمودن شرایط استاندارد زندگی در روستاها به خصوص در زمینه آموزش و اشتغال، از مهاجرت بی‌رویه زنان به دلیل یافتن فرصت‌های شغلی در مناطق شهری کاسته شود.

منابع

یعقوبی، جعفر. (۱۳۸۴). بررسی اثرات اعتبارات خرد بر اشتغال

زنان روستایی استان زنجان، زن در توسعه و سیاست، ۳(۱):

۱۴۶-۱۲۵.

Andlib, Z., & Zafar, S. (2023). Women and Vulnerable Employment in the Developing World: Evidence from Pakistan. *Journal of International Women's Studies*, 25(7), 17.

Asongu, S. A., & Nwachukwu, J. C. (2017). The comparative inclusive human development of globalisation in Africa. *Social Indicators Research*, 134, 1027-1050.

Aterido, R., Beck, T., & Iacovone, L. (2013). Access to finance in Sub-Saharan Africa: is there a gender gap?. *World development*, 47, 102-120.

Bacchetta, M., & Bustamante, J. P. (2009). Globalization and informal jobs in developing countries: A joint study of the International Labour Office and the Secretariat of the World Trade Organization. International Labour Organization and the World Trade Organization. *WTO Secretariat*.

Bacchus, N. (2005). *The effects of globalization on women in developing countries*. Pforzheimer Honors College Theses <https://digitalcommons.pace.edu/honorscollege.theses/2>

Bocquier, P., Nordman, C. J., & Vescovo, A. (2010). Employment vulnerability and earnings in urban West Africa. *World Development*, 38(9), 1297-1314.

Bue, M. C. L., Le, T. T. N., Silva, M. S., & Sen, K. (2022). Gender and vulnerable employment in the developing world: Evidence from global microdata. *World Development*, 159, 106010.

Buvinic, M., Berger, M., & Jaramillo, C. (1989). Impact of a credit project for women and men microentrepreneurs in Quito, Ecuador. *Women's Ventures*, 222-246.

Castree, N. (2007). Labour geography: A work in progress. *International Journal of Urban and Regional Research*, 31(4), 853-862.

Chaykowski, R. P. (2005). *Non-standard work and economic vulnerability* (p. 5). Ottawa: Canadian Policy Research Networks.

Chen, M., Huang, X., Cheng, J., Tang, Z., & Huang, G. (2023). Urbanization and vulnerable employment: Empirical evidence from 163 countries in 1991-2019. *Cities*, 135, 104208.

Datta, S., & Sahu, T. N. (2021). Impact of microcredit on employment generation and empowerment of rural women in India. *International Journal of Rural Management*, 17(1), 140-157.

Elgin, C., & Oyvat, C. (2013). Lurking in the cities: Urbanization and the informal economy.

اسدی زیدآبادی، فاطمه، سلمانپور، علی، خورشیدی، غلام

حسین، معمارنژاد، عباس، دیانف مهدی. (۱۴۰۲). اثرات

اصلاح راهبردهای تجارت خارجی بر اشتغال کامل

(شواهدی از ایران). *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۲

(۴۵): ۳۴۵-۳۶۳.

دیهیم، حمید و وهابی، معصومه. (۱۳۸۲). دسترسی زنان به

اعتبارات بانکی، *پژوهش زنان*، ۱(۷): ۸۷-۶۱.

سلیمانی مرتضی، پایتختی اسکوئی سیدعلی، دیزجی منیره،

اسکندری سبزی سیما. (۱۴۰۱). تأثیرات غیرخطی

جهانی شدن بر توسعه مالی در ایران: رهیافت مارکوف

سوئیچینگ. *نشریه اقتصاد و بانکداری اسلامی*. ۱۱ (۳۸)

:۳۳۳-۳۰۷.

صادقی، مسعود و عمادزاده، مصطفی. (۱۳۸۳). تحلیلی بر عوامل

اقتصادی مؤثر در اشتغال زنان ایران، زن در توسعه و

سیاست (پژوهش زنان)، ۲(۱): ۲۲-۵.

عرب مازار، عباس؛ علی‌پور، محمدصادق و زارع نیاکوک، یاسر.

(۱۳۹۳). تحلیل عوامل اجتماعی-اقتصادی مؤثر بر اشتغال

زنان در ایران، *اقتصاد و الگوسازی*، ۵(۱۷ و ۱۸): ۹۱-۷۵.

علیقلی، منصوره. (۱۳۹۵). بررسی رابطه بین مشارکت زنان در

نیروی کار و توسعه اقتصادی کشورهای اسلامی، فصلنامه

مطالعات اجتماعی روانشناختی زنان، ۱۴(۲): ۸۶-۶۳.

فطرس، محمد حسن؛ احمدوند، نرگس و امینی‌راد، مهدی.

(۱۳۹۷). رابطه برابری جنسیتی با اشتغال جوانان در

کشورهای درحال توسعه، فصلنامه رفاه اجتماعی، ۱۸(۷۱):

۴۵-۸۳.

قره‌حسنلو، فاطمه و میرحسینی، زهرا. (۱۴۰۰). واکاوی بسترها و

زمینه‌های نابرابری جنسیتی در بازار کار و اشتغال، فصلنامه

علوم اجتماعی، ۲۸(۹۵): ۶۹-۳۷.

کریمی، زهرا. (۱۳۹۳). تأثیر اعتبارات بانکی بر اشتغال زنان

مطالعه موردی: تعاونی‌های زنان در استان مازندران،

فصلنامه سیاست‌گذاری پیشرفت اقتصادی دانشگاه الزهرا،

(۴): ۱۶۸-۱۴۵.

- OECD/ILO. (2019). Tackling Vulnerability in the Informal Economy, Development Centre Studies, OECD Publishing, Paris, <https://doi.org/10.1787/939b7bcd-en>.
- Ofori, I. K., Cantah, W. G., Afful Jr, B., & Hossain, S. (2022). Towards shared prosperity in sub-Saharan Africa: How does the effect of economic integration compare to social equity policies?. *African Development Review*, 34(1), 97-113.
- Okolo-Obasi, E. N., Uduji, J. I., & Asongu, S. A. (2021). Strengthening women's participation in the traditional enterprises of sub-Saharan Africa: The role of corporate social responsibility initiatives in Niger Delta, Nigeria. *African Development Review*, 32, S78-S90.
- Palaskas, T., Psycharis, Y., Rovolis, A., & Stoforos, C. (2015). The asymmetrical impact of the economic crisis on unemployment and welfare in Greek urban economies. *Journal of Economic Geography*, 15(5), 973-1007.
- Pavlova, E., & Gvetadze, S. (2023). Female access to finance: A survey of literature (No. 2022/87). EIF Working Paper.
- Peña-Casas, R., Ghailani, D., & Coster, S. (2018). The Impact of Digitalisation on Job Quality In European Public Services: The Case of Homecare and Employment Service Workers. *European Social Observatory, European Public Service Union*. Available at: <https://www.epsu.org/sites/default/files/article/files/FINAL%20REPORT%20EPSU%20DIGITALISATION>.
- Timberlake, M., (1987). World-System Theory and the Study of Comparative Urbanization, In: Smith, M.P. and Feagin, J.R. (eds.) *The Capitalist City*, Blackwell, Oxford. [Takes a global approach, looking at western and non-western cities]
- Uwajumogu, N. R., Nwokoye, E. S., Ojike, R. O., Okere, K. I., Ugwu, J. N., & Ogbuagu, A. R. (2022). Globalization and the proportion of women in vulnerable employment in sub-Saharan Africa: The role of economic, social, and political conditions. *African Development Review*, 34(3), 356-369.
- Weil, D. (2009). Rethinking the regulation of vulnerable work in the USA: A sector-based approach. *Journal of Industrial Relations*, 51(3), 411-430.
- Weil, D. (2009). Rethinking the regulation of vulnerable work in the USA: A sector-based approach. *Journal of Industrial Relations*, 51(3), 411-430.
- Wu, C., & Yan, Y. (2023). Political factors, entrepreneurship, and female employment *Structural Change and Economic Dynamics*, 27, 36-47.
- Elson, D. (2002). Gender justice, human rights, and neo-liberal economic policies. *Gender justice, development and rights*, 2002, 78-114.
- Gindling, T. H., & Newhouse, D. (2014). Self-employment in the developing world. *World development*, 56, 313-331.
- Gray, M. M., Kittilson, M. C., & Sandholtz, W. (2006). Women and globalization: A study of 180 countries, 1975-2000. *International organization*, 60(2), 293-333.
- Gutiérrez-Romero, R. (2021). Inequality, persistence of the informal economy, and club convergence. *World Development*, 139, 105211.
- Hanefeld, J. (2018). How does globalisation affect women's health?. *The Lancet Global Health*, 6(1), e12-e13.
- Hua, w. (2024). *Gender Inequality: A Multi-Perspective Analysis*, Proceedings of the 2nd International Conference on Social Psychology and Humanity Studies.
- Huang, G., Zhang, H., Xue, D., & Yao, H. (2019). The inverted-U relationship between urban informal economy and urbanization in China. *Economic Geography*, 39, 76-83.
- Husain, H., Chowdhury, M. A. F., & Sulong, Z. (2024). Do political and social globalization promote female labour in Bangladesh? An empirical reassessment. *World Development Sustainability*, 4, 100121.
- International Labour Organization (2013). *Decent work indicators: Guidelines for producers and users of statistical and legal framework indicators: ILO Manual: Second Version*. International Labour Organization.
- Kramarae, C., & Treichler, P. A. (1985). *A Feminist Dictionary*, Pandora Press.
- Mitra, A. (2019). Women's work in response to urbanization: Evidence from Odisha. *ANTYAJAA: Indian Journal of Women and Social Change*, 4(1), 92-106.
- Mitra, A., & Tripathi, S. (2024). DO MORE WOMEN FIND EMPLOYMENT AS THE URBAN POPULATION GROWS?. *Theoretical and Empirical Researches in Urban Management*, 19(2), 88-117.
- Mustafa Kemal, B., & Naci, G. (2009). *Female labor force participation in urbanization process: the case of Turkey*. MPRA Paper 18249, University Library of Munich, Germany.
- Naples, N. A., & Desai, M. (Eds.). (2002). *Women's activism and globalization: Linking local struggles and global politics*. Routledge.

Yan-Ling. P., REN, Y., & Hou-jian, L. (2021). Do credit constraints affect households' economic vulnerability? Empirical evidence from rural China. *Journal of Integrative Agriculture*, 20(9), 2552-2568.

vulnerability in sub-Saharan Africa. *African Journal of Reproductive Health*, 27(12), 51-62.
Wu, D. F., & Schneider, M. F. (2019). *Nonlinearity between the shadow economy and level of development*. International Monetary Fund.



Analysis of the Effect of Globalization and the Strength of Legal Rights to loans on the Vulnerable Employment of Women in Selected Islamic Countries

Firas Sabah Alivi¹, Sara Ghobadi², Saad Makassees³, Hossein Sharifi Renani⁴

1st Ph.D. student in Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

2nd Assistant Professor of Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.
sghobadi@khuisf.ac.ir

3rd Associate Professor of Economics, Department of Economics, Alkut University, waset, Iraq.

4th Associate Professor of Economics, Department of Economics, Isfahan (Khorasgan) Branch, Islamic Azad University, Isfahan, Iran.

Abstract

In the content of human rights in Islam, women's rights have been raised in various economic, political and social fields in order to observe justice and social balance. According to Islam, employment is one of the divine rights of women, although it is not an obligation for women. On the other hand, due to the living conditions and the responsibilities that they bear regarding the care and upbringing of children, women often do not enjoy suitable job opportunities and are forced to accept vulnerable jobs such as domestic jobs, part-time jobs, with low wages and without social security. Since, according to Islam, there should not be any oppression and discrimination in social justice planning for people, including women, the investigation of the factors affecting the vulnerable employment of women in Islamic countries and what is involved in the transfer of women from the informal and vulnerable sector to the formal sector of the economy, is important. Therefore, this article was conducted with the aim of analyzing the effect of globalization and the legal rights strength on the vulnerable employment of women in 13 selected Islamic countries during the period of 2013-2022. For this purpose, Panel Dynamic Least Squares (PDOLS) method was used. The results indicated that the legal rights strength index had a negative effect on the vulnerable employment of women. Globalization index has a non-linear and U-shaped effect on women's vulnerable employment. Gender inequality and urban population have also had a positive effect on women's vulnerable employment.

Key words: Globalization, Strengthening the legal rights of the loan, Vulnerable Employment, Gender Inequality, Islam.

JEL Classification: J830 ,F00 ,C23.